

تحلیل نقش اعتقاد به تکامل هستی و معاد در سازگاری زناشویی:

بررسی تطبیقی دیدگاه شناختی و اسلام

محبوبه موسائی پور*

چکیده

از مهمترین کارکردهای اخلاقی خانواده که نقش اساسی در رضایت از زندگی، حفظ و تحکیم روابط افراد در درازمدت دارد؛ سازگاری زناشویی است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری سازگاری زناشویی نقش دارند؛ پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی دیدگاه شناختی در روان‌شناسی و اسلام به تاثیر نقش اعتقاد به تکامل هستی و معاد در سازگاری زناشویی با روش تحلیلی استنتاجی پرداخته است. هرچند، نوع نگاه هستی‌شناختی و معادباوری در اسلام، گرایش و رفتار هر مسلمان را متفاوت از دیدگاه‌های انسان‌گرایانه محض می‌کند؛ اما لازمه پایداری این نگاه در زندگی برای تحول از ظرفیت‌های موجود به الگوی مطلوب، ایجاد سازگاری نگرشی یا داشتن مراقبه و تعهد اخلاقی نسبت به این اعتقاد است که به قابلیت از خودفراروندگی منجر شود؛ این مهارت به نوبه خود سبب می‌شود تا فرد حتی در شرایط ناگزیر از رنج، قدرت انطباق و مهارت برقراری رابطه سالم و مسالمت‌آمیز با همسر داشته، بتواند با ایجاد احساس ارزشمندی در او، سازگاری زناشویی را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی

تکامل هستی، معاد باوری، سازگاری زناشویی، مسلمان، دیدگاه شناختی.

m.mousaeipour@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۵

*. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام نور فارس، کوار.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

مقدمه

خانواده کانون مهر و محبت، تربیت و مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسانهاست. آنچه در تحکیم خانواده و یگانگی زن و مرد نقش بیشتری برعهده دارد، سازگاری زناشویی است. به‌همین دلیل بررسی مسئله سازگاری زناشویی از جهات گوناگون امری مهم است، زیرا اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به یک توافق نسبی و سازگاری برسند، کارکردهای خانواده مختل می‌شود. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون «رضایت زناشویی»، «شادکامی زناشویی»، «موفقیت زناشویی» و «ثبات زناشویی» مرتبط است. به‌طور کلی ناسازگاری در زندگی زناشویی از مهم‌ترین عواملی است که رابطه زوجین را سرد و فاقد صمیمیت ساخته و کانون گرم خانواده را با تنش و آشفتگی همراه می‌سازد. (یالسین و کارابان، ۲۰۰۷: ۴۴ - ۳۶)

تأثیر عوامل مختلف بر سازگاری زناشویی مورد مطالعه قرار گرفته است، از جمله این عوامل نگرش‌ها و کارکردهای حوزه «شناختی» است. بورگس و کاترل (۱۹۳۶) بیان کردند که یک رابطه زناشویی با سازگاری خوب، رابطه‌ای است که نگرش‌ها و اعمال هریک از همسران، محیطی را جهت عملکرد مناسب ساختارهای شخصیتی هر فرد فراهم می‌کند؛ (آن، ۲۰۰۶: ۱۲۶) ایلس (۱۹۷۵) معتقد است عامل تفکرات غیرمنطقی و انعطاف‌ناپذیری تفکر علت اصلی اختلاف‌ها در روابط زوجها است؛ (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۰ - ۱۶۰) برخی روان‌شناسان تأکید می‌کنند شواهد بسیاری نشانگر این واقعیت است که مکانیسم‌های شناختی بر سازگاری و رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند و به‌همین دلیل معتقدند که زندگی زناشویی از گزند تفکرات غیرمنطقی مصون نمی‌باشد؛ (برنشتاین، ۱۳۷۷: ۸۶) تحقیقات تروکس و پل (۱۹۹۲) نیز نشان می‌دهد که باورها یک عامل شناخته‌شده در بروز اختلاف‌های زناشویی است. (مؤمن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۵ - ۱۷۰)

مطالعات بسیاری نیز به بررسی میزان تأثیر مسائل معنوی با سازگاری زناشویی پرداخته و نشان دادند افرادی که در سطح بالاتری از معنویت قرار دارند، نسبت به افراد با سطح پایین‌تر، معنویت و ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌ترند. (سولویان، ۲۰۰۱: ۶۲۶ - ۶۱۰؛ مارش و دالاس، ۲۰۰۱: ۳۶۰ - ۳۴۳؛ بوسینگ و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۰۰)

در پژوهشی دیگر دین‌داری، مهم‌ترین عامل در سازگاری زناشویی گزارش شده است. (دماریس و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۲۷۸ - ۱۲۵۵) زوهر معتقد است که هوش معنوی، زاینده بینشی عمیق در وقایع زندگی است و شخص را در برابر حوادث زندگی مقاوم می‌کند و به‌وسیله آن، افراد به مشکلات معنایی و ارزشی پرداخته و آن را حل می‌کنند. به‌عبارت دیگر معنویت بالای همسران با رضایتمندی زناشویی و تعهد زناشویی مرتبط است. (آگات و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۵ - ۵۱) همسران معنوی، رفتارهای مذهبی، عقاید و ارزش‌های مذهبی مشترکی دارند که می‌تواند با کیفیت زندگی زناشویی، انسجام و سازگاری زناشویی مرتبط باشد. (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸: ۶۱۴ - ۵۹۲) همچنین تحقیقات نشان داده است که سلامت جسمانی و روانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی نشان می‌دهند. (کوئینک، ۲۰۰۴: ۸۲ - ۷۶)

افراد معنوی در روابط زناشویی به ابعاد مثبت روابطشان تمرکز می‌کنند؛ به این معنی که زوجین معنوی سعی می‌کنند از موقعیت فعلی زناشویی‌شان، یک هدف و معنا بسازند و از این طریق، انسجام و سازگاری را در روابط زناشویی تقویت کنند. (کرکری و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۶۲ - ۳۴۵) نتایج پژوهشی که با عنوان بررسی ارتباط بین مذهب و ازدواج بر سلامتی، به تأثیر مذهب بر سلامتی هریک از زوجین پرداخته شده نیز نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی بر اثر آموزش معنویت افزایش می‌یابد. (گراهام، ۲۰۱۱: ۱۶۴)

اینکه باورها و معنویات یا به‌عبارت دیگر بینش‌ها و شناخت‌ها، چگونه بر سازگاری زناشویی تأثیر می‌گذارند، سؤال مهم این پژوهش است که به‌طور خاص به برخی نگرش‌های دین اسلام می‌پردازد. به دیگر سخن، تبیین تأثیر و نقش مهم نگرش‌ها و باورهای انسان مسلمان در سازگاری زناشویی، در دنیای امروزی که الگوهای متنوع و گاهی ضد دینی ملت‌ها و جوامع دیگر به‌سرعت در حال ورود و امتحان از سوی قشر جوان جامعه ما است، جهت ارائه و تأکید بر کارایی مبانی فکری اسلام به‌عنوان بهترین الگو برای شالوده‌سازی، طراحی و انتخاب بهترین شیوه زندگی ضروری به‌نظر می‌رسد.

هرچند مبانی فکری اسلام در حوزه هستی‌شناسی، با گزاره‌های متعدد توصیفی از هستی و سیر انسان یاد می‌شود، در این مقاله سعی شده تا جایگاه مقوله‌های اعتقاد به اصل تکامل هستی و معاد، در سازگاری زناشویی همسران مسلمان، مورد تحلیل و تطبیق روان‌شناختی قرار گیرد.

سؤالات مهم این پژوهش عبارتند از:

– اعتقاد به تکامل هستی و نوع نگاه به مقوله مرگ در جهان بینی اسلامی چگونه است؟

– اعتقاد به تکامل هستی و معادباوری، از دیدگاه شناختی چگونه منجر به سازگاری زناشویی همسران مسلمان، می‌شود؟

تعریف مفاهیم اصلی

سازگاری زناشویی^۱

سازگاری زناشویی، فرایندی اخلاقی است که روان‌شناسان آن را زیربنای عملکرد خوب خانوادگی، تسهیل‌گر نقش والدینی و سبب رشد اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می‌دانند. سازگاری زناشویی، وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع، احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. (گاتمن، ۱۹۹۳: ۵۷؛ دورانا، ۱۹۹۷: ۹۴)^۲ اسپانیر سازگاری زناشویی را فرایندی تعریف می‌کند که پیامدهای آن با میزان اختلافات مشکل‌آفرین زوج‌ها، تنش‌های بین فردی، اضطراب فردی، رضایت زوج‌ها از یکدیگر، انسجام و به هم پیوستگی آنها و همفکری درباره مسایل مهم زناشویی مشخص می‌شود. سازگاری زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند و همسرانی که از سازگاری زناشویی بالایی برخوردارند، عزت نفس بیشتر دارند و در روابط اجتماعی سازگارترند. (گانگ، ۲۰۰۰: ۱۵۲) گریف معتقد است که زوج‌های سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند و از نوع و سطح روابط خود راضی هستند (گریف، ۲۰۰۰: ۹۴۸)

پس این پدیده، اصل اخلاقی پویایی است که شاید در هر نقطه‌ای از زمان، روی یک پیوستار از کاملاً سازگار تا ناسازگار ارزیابی شود. بدین ترتیب، سازگاری زناشویی مفهوم اخلاقی چند بعدی است که نسبت به رضایت زناشویی از ویژگی‌های عینی‌تری برخوردار است.

تکامل هستی و جهت تکاملی پدیده‌های آن

عالم در جهان بینی اسلامی واقعیت متغیر و متحرک، بلکه عین حرکت است؛ براین اساس هستی مبتنی بر غایتی الهی است و عبث آفریده نشده است؛ هیچ موجودی در این جهان، ثابت و یکنواخت نیست، دائماً منزل و جایگاه عوض می‌کند و به سوی مقصودی روان است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۳)

تأثیر تبیین علت غایی در تفسیری که از جهان خلقت ارائه می‌شود، قابل انکار نیست. در اهمیت شناخت علت غایی، ملاصدرا غایت مابعدالطبیعه را استکمال نفس انسانی می‌داند؛ به گونه‌ای که نظام وجود، در نفس انسانی نقش بندد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۱ / ۳۷ - ۳۸ / ۲ / ۳۲۸) از این رو از منظر او، بررسی علل غایی، برترین جزء حکمت محسوب می‌شود. (همان: ۲ / ۲۷۰)

اگر موجودات و کل هستی، دارای تمام کمال‌های وجودی خود باشند و هیچ کمبودی از لحاظ فعالیت‌های متناسب خویش نداشته باشند، حرکتی وجود نخواهد داشت؛ چراکه قوه و استعداد در آنها نیست تا از آن رها شوند و کمالی را که فاقد آن نیستند با کوشش به آن برسند؛ جهان هستی که حدوث زمانی دارد، عین حرکت است و هدفی دارد؛ زیرا حرکت بدون هدف محال است. نمی‌شود چیزی حرکت کند و تمام سمت‌ها و جهت‌ها برای او یکسان باشد و رابطه ویژه‌ای با هیچ کدام از آنها نداشته باشد؛ بنابراین برای هر حرکتی پایان و هدفی خاص وجود دارد که قبل از رسیدن به آن پایان و هدف مخصوص، سیال، و با رسیدن به آن، ثابت می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ۱۸۲ - ۱۸۱) از منظر اسلام، پدیده‌ها با نیروی رموزی که درون‌شان هست، به سوی کمال‌شان کشیده می‌شوند. این نیرو همان است که از آن به هدایت الهی تعبیر می‌شود. با این اوصاف، جهان، واقعیت هدایت‌شده، و تکامل جهان، تکامل هدایت‌شده است. (مطهری، بی‌تا: ۲۱۸ - ۷۲)

در مبانی فلسفی اسلام، نفس انسانی در سیر تکامل جوهری خویش هسته‌ای بسیط و ممتد است که مراحل مختلف حیات را به طور پیوسته و تدریجی سپری می‌کند تا به نهایت و غایت آفرینش خود برسد؛ چراکه حقیقت حرکت چیزی جز

1. Marital adjustment.
2. Gottman, Durana.

حصول تدریجی یا همان خروج تدریجی از قوه به فعل نیست. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۳ / ۲۲) قرآن کریم هدف از آفرینش انسان را کمال و رشد روح او می‌داند و بیان می‌دارد که انسان برای رسیدن به این تکامل، افزون بر علم و عمل، باید ملکات اخلاقی را در خود شکوفا سازد (مائده / ۴۸) تا مراحل انسانیت را تا مقام خلافت و مظهریت آسمای حسنی الهی و تخلّق به اخلاق الله ببیماید و به مقام انسان کامل صعود نماید.

در هستی‌شناسی اسلامی، هیچ حرکت و فعلی بی‌غایت نیست. اگر فعلی فاقد غایت باشد، این فقدان تنها به لحاظ برخی مبادی آن است؛ بنابراین فعل عبث نیز بی‌غایت نیست هرچند غایت آن امری خیالی و موهوم باشد. ابن سینا در اشارات به‌ویژه در نبط ۵ «غایات و مبادی» و نبط ۴ «علل هستی» و ملاصدرا نیز در اسفار و شواهد الربوبیه، مشهد اول، اشراق رابع، اهمیت این بحث را متذکر شده‌اند.

این نکته در هستی‌شناسی، انسان را وامی‌دارد که فلسفه وجودی خویش و هدف آمدن و رفتن خود را بداند و در مسیر تعالی روحی خویش قدم بردارد و بداند که در نظام غایت‌محور، أحسن و هماهنگ، همه اختلافات و تفاوت‌ها نیز هدفمند و در راستای همان غایت حقیقی ایجاد شده‌اند.

مفهوم مرگ

میان موجودات تنها انسان است که مفهوم وجود را درک می‌کند و از هستی خویش آگاه است؛ همان‌طور که هستی برای انسان یک امر بدیهی است، نیستی نیز همراه با تصور هستی در ذهن انسان وجود دارد. از این جهت انسان نه تنها از وجود خویش آگاه است، عدم خود را نیز به‌طور واضح حس می‌کند؛ «اضطراب» و «نگرانی» انسان، نتیجه همین آگاهی از وجود و عدم است. (شریعتمداری، ۱۳۷۹: ۳۵۸) و شاید انتخاب نام «یقین» برای مرگ در دو آیه از آیات قرآن (حجر / ۹۹) و (مدثر / ۴۷ - ۴۶)، اشاره به همین حقیقت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۱)

معاد باوری در اسلام

در دیدگاه اسلام، جدایی ناپذیری مرگ و زندگی به‌مثابه یک اصل بنیادین هستی که دارای مبانی ژرف فلسفی نیز هست، تلقی می‌شود. در این دیدگاه جهان، مجموعه‌ای از غیب و شهادت است و هستی، منحصر به این دنیا نیست بلکه بعد از زندگی این دنیا، زندگی دیگری وجود دارد که دارای اهمیت و اصالت است، بنابراین زندگی با مرگ به نتیجه می‌رسد و از طریق همین نتیجه‌گیری معنا می‌شود. تنها در مرگ است که می‌توان به شناخت زندگی، همچون یک کل نائل شد.

رابطه دنیا و آخرت رابطه‌ای است که اول و آخر انسان در یک مسیر قرار دارد و درحقیقت دنیا و آخرت دو چهره یک واقعیت است. عالم آخرت، عالم ظهور و بروز باطن‌ها و تجسم اعمال انسان‌ها است. آدمی درواقع حقیقتی برای خود می‌سازد که در این عالم نمی‌تواند به آن پی ببرد، اما در آخرت کاملاً آن حقیقت، آشکار می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

زندگی دنیا بر خلاف زندگی آخرت فانی و زودگذر است. انسان در آن عالم با کمالات واقعی که خود از راه ایمان و عمل صالح کسب کرده، زندگی می‌کند. کمالات واقعی مسئله مهمی است که اشتغال به آن، آدمی را از منافع باز نمی‌دارد چراکه غیر از آنها واقعیت دیگری نیست؛ پس آخرت، حیاتی واقعی است، و این است معنای اینکه خدای تعالی می‌فرماید: «این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند». ^۱ (عنکبوت / ۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۶ / ۱۵۴) انسان در برابر مرگ، موظف است که از زندگی، حداکثر بهره را بگیرد و نگذارد حتی فرصتی هم از دست برود، زیرا که مجموع این فرصت‌ها سازنده کل زندگی هستند (فرانکل، ۱۳۶۶: ۱۹۷) انسان همان‌گونه که خواستار سامان‌بخشیدن به زندگی خویش است، می‌خواهد مرگ خود را نیز انتخاب کند، بیهوده نیست که سقراط همه فلسفه را تأمل بر مرگ می‌شمارد. (ر.ک: سی‌گاتری، ۱۳۷۸) با کسب آگاهی از مرگ می‌توان، شناخت خود را از زندگی ژرفا بخشید و با آمادگی در برابر آن، با جهان و مردم، پیوندی عمیق برقرار کرد. پس مرگ را هم، باید آموخت و غفلت از این اصل بی‌تردید موجب تنزل هستی می‌شود.

۱. وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ.

در جهان‌بینی اسلام، مرگ با اصل معاد، پیوندی ناگسستنی دارد و آنچه این پیوند را مستحکم می‌کند بقای روح، پس از مرگ است. ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی که در اصل معاد متجلی می‌گردد پس از توحید، مهم‌ترین اصلی است که از سوی پیامبران الهی مورد تأکید قرار گرفته است.

در فرهنگ قرآن، مرگ به معنای وفات است نه فوت. زیرا فوت، به معنای زوال و نابودی است اما وفات به مفهوم أخذ تام و انتقال از عالمی به عالم دیگر است. از آنجاکه تمام وجود انسان با مرگ در اختیار فرشتگانی قرار می‌گیرد که مأمور توفی و استیفای جان انسان هستند؛ لذا با مرگ و مردن، چیزی از حقیقت انسان گم یا کم نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۴ / ۲۹۱)

جایگاه اعتقاد به اصل تکامل و مرگ‌اندیشی در سازگاری زناشویی

یکی از موضوعات مهم و مورد بحث در علم روان‌شناسی، «رفتار» است. به طوری که برخی، علم روان‌شناسی را رفتارشناسی نامیده‌اند؛ زیرا در این علم، رفتار موجودات زنده به ویژه رفتار انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در هر موجود زنده دو خاصیت اساسی «ادراک» و «حرکت ارادی» وجود دارد. در انسان نیز به‌عنوان موجود زنده، این دو خاصیت به صورت گسترده‌تر و پیچیده‌تر و عمیق‌تر وجود دارد: یکی دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، عاطفه، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود. (عظیمی، ۱۳۷۰: ۳۰)

امروزه روان‌شناسان شناختی، به مطالعه ادراک، یادگیری، یادسپاری و تفکر افراد در باره اطلاعات می‌پردازند و اصل را بر شناخت در انسان می‌دانند. براین اساس، لازاروس و اسمیت (۱۹۹۳) تأثیر شناخت را بر هیجان مطالعه کرده‌اند. (استنبرگ، ۱۹۸۷: ۱۰۲) به‌عنوان مثال براساس دیدگاه بک (۱۹۷۶) یک رویداد یا محرک، ابتدا باید مورد توجه قرار گیرد، بازشناسی شده و طبقه‌بندی گردد و سپس هماهنگ و همسو با نوع شناخت به‌دست‌آمده و ارزیابی فرد، پاسخ عاطفی ابراز گردد؛ بسیاری از نظریه‌پردازان شناختی نیز به این مسئله تأکید ورزیده‌اند. (به‌عنوان مثال: هاوتون و همکاران، ۱۹۸۹)

درواقع دیدگاه زیربنایی الگوی شناختی، این است که رویدادهای ذهنی (چون باورها و اعتقادات) می‌توانند علت رفتار باشند و اگر این رویدادها تغییر کنند، تغییر رفتار در پی آن خواهد آمد. (روزنهان و سلیگمن، ۱۳۷۹: ۱ / ۱۷۸) به‌همین علت روان‌شناسان از فرایند دیگری به‌نام «سازگاری نگرشی» صحبت می‌کنند و بیان می‌دارند اینکه آیا فرد با وضعیت‌های مختلف زندگی کنار بیاید یا منفعلانه برخورد کند، عمدتاً بر نگرش شخصی او به آن وضعیت بستگی دارد. بنابراین سازگاری نگرشی از اهمیتی فوق‌العاده در زندگی برخوردار است.

«سازگاری نگرشی» به هسته مرکزی شخصی، توانایی ذهنی و سرشت عمیق انسان و نقطه‌ای که نگرش‌های اساسی از آنجا، فرد را به‌عنوان یک کل، تحت تأثیر قرار می‌دهند، اشاره می‌کند. هدف از «سازگاری نگرشی» اصلاح نگرش‌های بیماری‌زاست، و این نکته به‌ویژه در مواردی ضرورت می‌یابد که مشکلاتی که این نگرش‌ها را موجب شده‌اند، نتوانند به‌خودی‌خود تغییر یابند. (ریدل و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از: هیلمن، ۲۰۰۴: ۳۶۹) به گفته لوکاس (۱۹۹۸) چیزی که لازم است آن را بشناسیم و به آن دست یابیم عبارت از یک نگرش نیرومندتر، تصحیح‌شده، از لحاظ اخلاقی ارزشمندتر و امیدوارانه‌تر است. (همان)

درست به‌همین دلیل پژوهش‌ها نشان می‌دهد، نگرش‌های مذهبی می‌توانند در زندگی زناشویی، معنایی محوری برای ازدواج باشند. (ماهونی، ۲۰۰۳: ۲۳۰ - ۲۲۰) بسیاری از روان‌شناسان - همچون هانلر و گنچوز - معتقدند، نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد. زیرا مذهب، شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند. (خدایاری فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۱۱ - ۶۲۰) هنگام ازدواج، زوج‌ها می‌توانند از نگرش‌های مذهبی به‌مثابه «محفظه‌ای امن» در تعارضات زناشویی استفاده کنند. (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶: ۴۴۹ - ۴۳۹) اغلب زوج‌هایی که نگرش‌های مذهبی مشترک دارند، به تعارضاتشان روشن‌تر نگاه کرده، می‌توانند به‌طور متقابل مشکلاتی را که در رابطه زناشویی‌شان به‌وجود می‌آید، برطرف سازند. همچنین ارزش‌های مذهبی می‌توانند باعث شوند زوج‌ها مذهب را به‌منزله نقشه مسیره‌های زناشویی بدانند، مذهب نیز آنان را در روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی و فداکاری در ازدواج راهنمایی می‌کند. (ماهونی، ۲۰۰۳: ۲۳۶ - ۲۳۰)

روان‌شناسان معتقدند، به سبب داشتن ارزش‌های مذهبی، زوجها اغلب به سوی «مقدس کردن» ازدواج‌شان پیش می‌روند و آن را به لحاظ کیفی از همه رابطه‌های دنیوی جدا در نظر می‌گیرند. (پرگامنت و ماهونی، ۲۰۰۵: ۱۹۸ - ۱۷۹) آنان قابلیت و پدیده‌ای روحانی در انسان با نام «از خود فراروندگی» را مطرح کرده و این واقعیت انسان‌شناختی بنیادین را متذکر می‌شوند که انسان بودن یعنی حرکت مداوم به سوی فراتر از خود؛ به سوی چیزی که دقیقاً همان خود کنونی نیست؛ به سوی چیزی یا کسی، به سمت یک معنا که احتمالاً توسط یک فرد تحقق می‌یابد. به میزانی که فرد، خود را به شیوه‌ای از این دست، تعالی می‌بخشد و استعدادهای خود را در وصول به یک هدف، به فعلیت می‌رساند. (هیلمن، ۲۰۰۴: ۳۶۹)

افراد در «از خود فراروندگی» برای کامل کردن قابلیت انسانی، با نفس خویش، دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از هر خودمحوری روان‌آزرده‌واری اجتناب می‌نمایند. این امر در سلامت روان‌شناختی آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است و از آنجاکه شناخت‌ها بر رفتارها اثر می‌گذارند؛ این توانایی منجر به «سازگاری» یا «سطح انطباق» می‌شود که به عنوان فرایند میزان منطبق ساختن رفتار (فرد) با انتظارات اطرافیان و جامعه، تعریف می‌شود. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۳۰) چون فرایند سازگاری، مهارت برقراری رابطه سالم و همسویی مسالمت‌آمیز با دیگران و توانایی وفق دادن شخص، نسبت به محیطی است که بدان تعلق دارد (ساعتچی، ۱۳۶۸: ۵۰) و نیز به مجموعه فعالیت‌هایی که باعث هماهنگی با نیازهای مقطعی می‌گردد؛ نیز، گفته می‌شود؛ (پورمقدس، ۱۳۵۶: ۲) از این جهت روان‌شناسان، سازگاری فرد در برابر محیط را از جمله ویژگی‌های اخلاقی شخصیت بهنجار تلقی نموده‌اند که منجر به زندگی مشحون از صلح و آرامش در محیط می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۲۱) و آن را سنگ‌بنای عملکرد خانواده و تسهیل‌کننده ایفای نقش والدین می‌دانند. (کومز، ۱۹۹۱: ۹۷)

برخی خصوصیات اخلاقی فرد سازشگر عبارت است از: احساس خوشبختی، ارضای نیازهای عاطفی، ایجاد احساس ارزشمندی و حمایت در یکدیگر و تلاش در مسیر شکوفاسازی استعدادهای طرف مقابل. (شوماخر، ۲۰۰۵: ۳۰ - ۲۸) از آنجاکه جریان سازگاری با بروز نیاز انسان به همراهی و دوری از تنش شروع می‌شود و با حرکت به سوی تعادل، کامل می‌شود، (همان) بنابراین او را در وصول به اهداف عالی ازدواج همچون آسایش تن، آرامش و تعالی جان و روان یاری می‌رساند؛ بنابراین همراه با این سازگاری، «سازگاری زناشویی» به‌طورخاص به‌وقوع می‌پیوندد. زیربنای عملکرد خوب خانوادگی، تسهیل نقش والدینی و سبب رشد اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می‌شود.

زوهر (۲۰۱۲) معتقد است که گرایش معنوی، زاینده بینشی عمیق در وقایع زندگی است و شخص را در برابر حوادث زندگی مقاوم می‌کند؛ همچنین مشخص شده است که معنویت بالای همسران، با رضایتمندی زناشویی مرتبط است. (آکات و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۵ - ۵۱) همسران معنوی رفتارهای مذهبی، عقاید و ارزش‌های مذهبی مشترکی دارند که می‌تواند با کیفیت زندگی زناشویی، انسجام و سازگاری زناشویی، مرتبط باشد. (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸: ۶۱۴ - ۵۹۲) ماهونی و دیگران بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و درنهایت سبب فزونی رضایتمندی زناشویی می‌گردد. (ماهونی و دیگران، ۲۰۰۴: ۹۷)

کوئینگ نیز در تحقیقی نشان داده است که سلامت جسمانی و روانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی نشان می‌دهند. (کوئینگ، ۲۰۰۴: ۸۲ - ۸۰) در تحلیل درون‌دینی و با نگاه اسلامی از میان نظام وسیع ارزش‌های مذهبی که هریک به‌نوبه خود نقش مهمی در ساختار نگرشی فرد مسلمان در مقوله‌های مختلف زندگی دارند، نوع نگاهی که او به خود و به هستی و به پایان زندگی این دنیایی دارد، سبب می‌شود تا دایره خاصی از بینش‌ها و باورها شکل گیرد که این باورها به‌نوبه خود گرایش معنوی فرد را تحت‌تأثیر قرار داده، باعث می‌شوند تا جهت‌گیری عاطفی متفاوتی در انتخاب همسر داشته و پس از آن، رفتارهای او در زندگی مشترک با همسر نیز، منطبق با چارچوب پذیرفته‌شده ذهنی‌اش یا به‌عبارت دیگر، حوزه شناختی‌اش باشد. به دیگر سخن، هر چند مبانی فکری و فلسفی اسلام پیرامون سیر تکاملی هستی و سرانجام انسان در جای‌جای زندگی همسران چه در حوزه رفتاری و چه حوزه عاطفی نقش اساسی ایفا می‌کند؛ اما نقش محوری این رویکرد، در جهت‌گیری معنوی متفاوتی است که هریک در بدو امر، نسبت به مسئله ازدواج، همسر و تشکیل خانواده پیدا می‌کنند.

به لحاظ شناختی، اسلام برخلاف مکاتب دیگر از روزه امیال و خواسته‌های مادی به انسان نمی‌نگرد، از این رو در

خانواده اسلامی، امیال و هواهای انسان، محور نیست چراکه براساس اصل تکامل و جهت‌دار بودن کل هستی از جمله زندگی انسان، او می‌آموزد که در مسیر زندگی حرکتش به سوی کمال مطلق است، براین اساس به همسر خویش در زندگی مشترک به مثابه یک انسان مکمل، یک روح تعالی‌بخش، یک مبدأ آرامش در مسیری هدفمند و حساب‌شده می‌نگرد که باید بیشترین سازگاری و تفاهم را با او داشته باشد.

شهید مطهری می‌فرماید:

اسلام ازدواج را مقدس می‌داند و به آن جنبه اخلاقی می‌دهد، با اینکه یک امر شهوانی است، و این تنها امری است که با وجود اینکه پایه طبیعی و شهوانی دارد، جنبه اخلاقی نیز دارد. هر غریزه‌ای که اشباع شود، اشباع آن تأثیری در معنویت انسان ندارد جز غریزه جنسی. لذا ازدواج از نظر اسلام، سنت و مستحب تعبیر شده است. یکی از علل آن، این است که ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی برمی‌دارد. تجربه نشان داده است که افرادی که در تمام عمر به علت هدفهای معنوی، مجرد زندگی کرده‌اند، در همه آنها یک نوع نقص ولو به صورت یک نوع خامی وجود داشته است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۹۷ - ۲۴۸)

اسلام به‌طور خاص، مباحث بسیاری درباره ارزش‌شناسی دینی ازدواج به‌عنوان پدیده‌ای مهم در هستی، مطرح کرده است، به‌طوری‌که بسیاری از آیات قرآن و متون روایی و اخلاقی به‌طور مستقیم درباره جنبه‌های شناختی و نگرشی ازدواج، نکاتی را بیان داشته‌اند؛ به عبارت دیگر، اخلاق همسررداری در متون اسلام، مبتنی بر یک نظام فکری متعالی و فلسفی است که ضرورت رعایت و عمل به اصول اخلاقی را توجیه می‌کند و توصیه‌های ارزشمند آن، همگی در راستای ایجاد سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی است.

خداوند در قرآن، ازدواج را مایه آرامش انسان می‌داند. (روم / ۲۱) مبنا و محور زندگی مشترک را در همه حال حتی در موارد ناملایمات و سختی‌های زندگی بر پایه اصول اخلاقی مهمی چون تکریم همسر، احترام به او، گذشت و مدارا و عفو بیان می‌کند. (نساء / ۱۹ و ۱۲۸؛ تغابن / ۱۴؛ بقره / ۲۳۷) از همه مهم‌تر در مسائل مختلف زندگی، بر زودگذر بودن زندگی و توجه به آخرت و یاد خدا تأکید دارد؛ (منافقون / ۹؛ تحریم / ۶) متون روایی و اخلاقی نیز در این زمینه با بیان مصادیق و بسط این اصول، بر عملیاتی کردن الگوی شناختی اسلام، در رفتار و فرهنگ‌سازی خانواده اسلامی تأکید دارند؛ رسول خدا ﷺ تشکیل خانواده را یکی از سنت‌های خود دانسته، مردم را به پیروی از این سنت نیکو فرامی‌خواند: «ازدواج سنت من است، هر کس از آن سرپیچی کند، از من نیست». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳: ۲۲۰)

پیامبر اسلام ﷺ دوری از ازدواج را عامل اساسی انحراف و گناه، و ازدواج را موجد ایمان و تقوا در انسان دانسته، می‌فرماید: «تشکیل خانواده بده، وگرنه گناه‌کار، از دنیا خواهی رفت»؛ (همان: ۱۰۳ / ۲۲۱) آن حضرت ﷺ تشکیل زندگی مشترک را بزرگ‌ترین بنای اسلام قلمداد می‌نماید و آن را دارای برکات و ثمرات فراوانی می‌داند: هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از تشکیل خانواده نیست. (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۲) در مذمت سرپیچی از این مهم می‌فرماید: «بدترین شما بی‌همسران شما نیستند؛ دو رکعت نماز متأهل از هفتاد رکعت نماز بی‌همسر بهتر است»؛ (صدوق، ۱۴۱۳: ۳ / ۳۸۴) ضمن آنکه تشکیل خانواده را موجب لذت دنیوی و اخروی می‌داند؛ (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۱۰) بر تکریم و احترام همسر نیز تأکید کرده و می‌فرماید: «کسی که همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۴۲۲) پیامبر اکرم ﷺ تشکیل خانواده و زندگی مشترک بر مدار اخلاق را موجب سعادت، نیک‌بختی و به‌دست آوردن ثمرات و نتایج والای مادی و معنوی می‌داند و این نشانه اهمیت فوق‌العاده و نگاه همه‌جانبه و جامع در اسلام، نسبت به زندگی مشترک است. خواجه نصیر در باب تکریم همسر به تأثیر روان‌شناختی آن اشاره کرده و براین نظر است که تکریم و احترام همسر سبب می‌شود تا او به امور منزل اهتمام ورزیده، همسر خود را همراهی کند تا نظام مطلوب و رضایت زناشویی حاصل شود. (طوسی، ۱۳۸۹: ۲۲۱)

از طرفی هنگامی که انسان به این باور برسد که زندگی‌اش منحصر به این دنیا نیست بلکه سرای دیگری در پیش دارد که اصل است. همه اعمالش در آنجا سنجیده می‌شود و نظام پاداش و جزا بر آن جاری است و در محضر کسی روزگار می‌گذراند که از تمام اسرار درونی وی آگاه است. این اعتقاد او را به‌سوی رعایت ارزش‌های اخلاقی در همه زمینه‌ها از جمله

در ارتباط با همسر و وفاداری نسبت به او وامی دارد، در این بینش، زندگی این جهانی انسان از جمله زندگی خانوادگی، در کنار اجزای دیگر هستی و حیات آن جهانی انسان نگریسته و تفسیر می‌شود.

در این رویکرد هریک از همسران می‌آموزند که نقش‌ها و تکالیف فردی مرد و زن، نه تنها در سعادت دنیوی آنان تأثیرگذار است، بلکه حیات آخرتی آنان را نیز متأثر می‌سازد. او درمی‌یابد که در قبال زندگی چندروزه دنیایی‌اش حسابرسی می‌شود و در پیشگاه عدل الهی قرار دارد؛ پس باید در محضر ربوبی، شرط بندگی و عبودیت را رعایت کند. بدین ترتیب رفتارهای او در ابعاد مختلف وجودی، به‌عنوان مثال، بعد جنسی در چارچوب شرع تنظیم می‌کند و بر تمایلات و خواهش‌های نفسانی خود در آشکار و نهان مسلط می‌شود؛ زیرا به دلیل شرایط زیستی خاص خود، در همه مراحل زندگی، حتی با وجود همسر و فراهم بودن شرایط کامل ارضاء، به عفاف و توان خودمهارگری نیاز دارد؛ این امر در روایت این‌گونه بیان شده است: کسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ می‌کند، پس در نصف دیگر و باقی‌مانده، تقوای الهی پیشه کند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۳۲۹)

چنین نگرشی به مرگ نه تنها حس مسئولیت را در انسان بیش‌ازپیش برانگیخته کرده و باعث می‌شود که او از فشارهایی که در طریق انجام این مسئولیت‌ها متحمل می‌شود، رنج نبرد، بلکه از آنها استقبال نیز می‌نماید. در این نگاه، تلاش انسان برای راحتی و آرامش همسر، حفظ و نگهداری کانون گرم خانواده، صبر بر اخلاق همسر و رنج فرزند کشیدن، همگی به‌مثابه مجاهدت در راه خدا، برای تعالی وجود و سعادت ابدی است که در پرتو ازدواج حاصل می‌شود. رسول اکرم ﷺ خدمت به خانواده را جزو خصلت‌های اولیای الهی توصیف می‌کند. از این رو در سفارش خویش به امیرمؤمنان علی ﷓ می‌فرماید: «با علی! به خانواده خود خدمت نمی‌کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او می‌خواهد». (شعبی سبزواری، ۱۴۱۴: ۲۷۶) همچنین به زن و مردی که در ناملايمات زناشویی و در مقابل اخلاق و رفتار ناپسند همسر، صبور و شکيبا باشند، وعده داده که خداوند اجر و پاداشی همانند اجر و پاداش آسیه (برای زن) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳ / ۲۴۷) و ثوابی را که به ایوب ﷓ در قبال گرفتاری‌اش داد (برای مرد) (صدوق، ۱۴۰۰: ۳۳۹) به او خواهد داد.

بنابراین بسیاری از چالش‌های امروز جوامع در حوزه خانواده، همچون بی‌بندوباری جنسی، خیانت‌های همسران به هم، روابط دختر و پسر، سقط جنین، طلاق، توجه به اشرافی‌گری و دیدگاه صرفاً لذت‌گرایانه به ازدواج و زندگی و افزایش دیدگاه‌های فمینیستی که از غرب، شروع شده و به جوامع دیگر نیز رخنه کرده است، در مرحله اول به سبب نگاه مادی‌گرایانه و تفسیر نادرست از هستی و انسان است.

شایان ذکر است که صرف توجه به اصل تکامل و معاد، جهت تأثیربخشی و کارکرد تربیتی آن در ابعاد مختلف زندگی از جمله در سازگاری زناشویی کافی نیست، آنچه لازم است در این مورد، همسران آن را داشته باشند، یک زندگی معنوی همراه با یک نگرش نیرومند، تصحیح‌شده و از لحاظ اخلاقی ارزشمند است. به همین دلیل قرآن ضمن تأکید بر ایمان، همواره بر ملازمه آن با عمل صالح اصرار دارد. (یونس / ۹؛ بقره / ۶۲؛ نحل / ۹۷) و یادآور می‌شود که چنین عملی همواره از آب زلال ایمان سیراب می‌گردد.

علامه طباطبایی، می‌فرماید: هرگاه علم به چیزی موجب عمل به آن شود، ایمان ظاهر می‌شود. بنابراین معلوم می‌شود که تنها صرف علم به چیزی و یقین به اینکه حق است، در حصول ایمان کافی نیست و صاحب آن علم را نمی‌شود مؤمن به آن چیز دانست بلکه باید به علم خود عمل کند. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۲۵۹) تا در زندگی و رفتارهای فرد اثربخشی لازم را داشته باشد، نظر غزالی نیز در این باره قابل تأمل است:

بدان که مرگ، امری هولناک است و مراحل بعد از آن بسی عظیم و هولناک‌تر. مردم به‌خاطر به یاد نیاوردنش از آن غافل هستند. کسانی هم که آن را متذکر می‌شوند با قلبی پاک و خاطری آسوده و بی‌آلایش آن را یادآوری نمی‌کنند، بلکه با قلبی مشغول به آرزوهای نفسانی و تمایلات دنیوی آن را به یاد می‌آورند، لذا یاد مرگ در قلب آنان هیچ اثری نمی‌گذارد.

بنابراین راه یاد مرگ آن است که شخص، قلب خود را از هر چیزی غیر از یاد مرگی که در بین دو دست او است، فارغ و خالی نماید و فقط درباره آن بیندیشد، به مانند کسی که تصمیم گرفته است، سفر طولانی را در دریا و یا خشکی انجام دهد و درباره آن فکر می‌کند، مسلماً در چنین حالتی آنچه بر دل او غلبه یافته و او را به خود مشغول ساخته است، تفکر درباره این سفر و آماده شدن برای آن است و بس. (غزالی، ۱۳۸۷: ۱۸)

بدین ترتیب هرچند توجه به مرگ و مرگ‌اندیشی در همه نظام‌های فکری وجود دارد و تأثیری که مرگ‌اندیشی به سمت‌وسوی زندگی دارد، مورد توجه فلاسفه و متکلمان و البته عارفان قرار گرفته است به‌گونه‌ای که حتی صاحب شاعرانه‌ترین اندیشه‌ها مثل تولستوی، یا صاحب بی‌رحم‌ترین افکار فلسفی مانند شوپنهاور معتقدند که اگر مرگ نبود، کمترین سؤال از معناداری زندگی، بی‌وجه و پایه بود و مولوی نیز از این واقعه به «عروسی ابد» یاد می‌کند. نکته بسیار مهم این است که در معنادار کردن زندگی و تأثیر بر کیفیت آن تنها از کسانی ساخته است که منش آنها در زندگی، خالی از صدق نیست. (بابائی، ۱۳۸۲: ۱۶۸ و ۱۷۸)

براساس اخلاق اسلامی، زن و مردی که به اختیار و اراده خویش با هم پیمان زناشویی می‌بندند، با تشکیل خانواده برای رشد و تکامل یکدیگر و به دست آوردن سکینه و آرامش اقدام می‌کنند و آنچه ضرورت دارد فقط تشکیل خانواده نیست بلکه هریک از همسران در جهت نیل به آرمان‌های پیش‌گفته و به منظور حفظ اهداف کانون مقدس خانواده، وظایف و مسئولیت‌هایی را برعهده دارند که با انجام آنها در راستای خرسندی و رضایت یکدیگر گام برمی‌دارند. تأمل در متون اسلام نشان می‌دهد این احساس رضایت و خوشبختی همان اصل آرامش و سکون، مودت و رحمتی است که در آیات قرآن از اهداف والای ازدواج و از ارکان اخلاقی مهم سبک زندگی همسران معرفی شده است: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.»^۱ (روم / ۲۱)

مودت، آن انس روحانی و محبت از اعماق قلب و اعتماد و اطمینان هریک از زن و مرد به یکدیگر است. (سید قطب، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۷۶۳) هرچه انسان به‌عنوان عضوی از هستی هدفمند و تکامل‌جو، در مراتب کمال بالاتر رود و به مدارج والائری از ایمان برسد، مودت و رحمتش نسبت به همسر و خانواده بیشتر می‌شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «من گمان نمی‌کنم که مردی ایمانش افزون شود و محبتش به همسرش افزون نشود.» (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۹) همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «نیکوترین مردمان در ایمان، خوش‌خلق‌ترین و مهربان‌ترین ایشان با اهل خود است و من از تمام شما نسبت به خانواده‌ام مهربانترم.» (صدوق، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۸)

بنابراین انسان مسلمان علاوه بر داشتن نظام بینشی قوی و جهان‌بینی صحیح و دائمی (در این مقاله به‌طور خاص بینش صحیح نسبت به هستی و مقوله مرگ «معادباوری») در صورتی می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی از جمله زندگی مشترک به موفقیت و رضایتمندی دست یابد که دائماً به حفظ و مراقبه نگرش، جهان‌بینی و ایمان خود یا به تعبیر علم روان‌شناسی، سازگاری نگرشی اقدام نماید تا بتواند به مرحله از «خود فراروندگی» یا غیر دوستی (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۴۸ و ۳۹۷) در جهت کامل کردن قابلیت انسانی و اجتناب از خودمحوری تعالی یابد و این توانایی، خود منجر به مهارت برقراری رابطه سالم و همسویی مسالمت‌آمیز او با دیگران شود و از آنجا که این سطح انطباق، خود، زیر بنای عملکرد خانوادگی است؛ سبب می‌شود تا به‌طور خاص سازگاری زناشویی در زندگی مشترک به وقوع بپیوندد.

نتیجه

نظام فکری اسلام با پذیرش اصل هدفمندبودن هستی، تفسیر جهان و انسان را با توجه به غایت آفرینش آنها ممکن می‌داند. در این نگاه، نظام آفرینش و خلقت انسان و جهان، بر طرحی پیشین و برنامه‌ای هدفمند استوار شده است (دخان / ۳۸) و صد البته همگونی یا نا همگونی موجودات و اختلاف در ظرفیت‌ها و امکانات، همگی در طرح کلی هستی، جایگاهی ویژه دارند. نوع نگاهی که فرد به هستی و به سرانجام حیات خود دارد، دایره‌ای خاص از بینش‌ها و باورها را شکل می‌دهد که این باورها اگر همراه با مراقبه و هضم نشدن در روزمرگی‌های دنیای مادی و از سر صدق در عمل باشد، به‌نوبه خود تأثیر بسزایی در نگاه او به امر ازدواج و به همسر دارد، بنابراین باعث می‌شود تا جهت‌گیری‌های عاطفی و رفتار با همسر، چه در مرحله انتخاب و چه در زندگی مشترک، منطبق با چهارچوب پذیرفته‌شده ذهنی یا به عبارت دیگر، حوزه شناختی‌اش باشد. بنابراین در حوزه شناختی، زندگی این‌جهانی انسان از جمله زندگی خانوادگی، در کنار اجزای دیگر هستی و حیات آن جهانی انسان، نگرسته و تفسیر می‌شود و این نگرش خاص همراه با ملازمه رفتاری حاصل از آن، منجر به بالارفتن سازگاری و

۱. و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.

سطح انطباق در فرد می‌شود که از ویژگی‌های شخصیت به‌نجار بوده و به‌نوبه خود سازگاری زناشویی را نیز در برمی‌گیرد؛ چراکه ایجاد رضایت از زندگی در مسیر کمال، برای اطرافیان به‌خصوص همسر، به‌طور قطع از لوازم چنین نگرشی خواهد بود.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۸، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، مصحح مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۰۰، *ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳، *ق، من لایحضره الفقیه*، ج ۳، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی.
۵. اتکینسون، ریتال و دیگران، ۱۳۷۱، *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه محمدتقی برهنی، تهران، رشد.
۶. اونامونو، میگل د، ۱۳۸۰، *درد جاودانگی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، ناهید.
۷. بابائی، رضا، ۱۳۸۲، «زندگی به روایت مرگ»، *نقد و نظر*، ش ۲۹ - ۳۰.
۸. برنشتاین، فیلیپ اچ، مارسی تی برنشتاین، ۱۳۷۷، *شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی*، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران، رسا.
۹. پورمقدس، علی، ۱۳۵۶، *روان‌شناسی سازگاری*، تهران، مشعل.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۳، *ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد*، تهران، الزهرا.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، ج ۴، تهران، رجا.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *نسبت دین و دنیا*، تحقیق سعید بندعلی، قم، اسراء.
۱۳. حرعاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۲، *ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه*، تصحیح عبدالرحیم الربانی شیرازی، ج ۱۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۴. خدایاری‌فرد، محمد و دیگران، ۱۳۸۶، «رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متاهل»، *خانواده‌پژوهی*، سال سوم، ش ۱۰.
۱۵. روزنهان، دیوید ال و مارتین. ای. پی سلیگمن، ۱۳۷۹، *روان‌شناسی ناپه‌نجاری*، ترجمه یحیی سید محمدی، ج ۱، تهران، ساوالان.
۱۶. ساعتچی، محمود، ۱۳۶۸، *اصول روان‌شناسی*، تهران، امیرکبیر.
۱۷. سی‌گاتری، دلبیو، ۱۳۷۸، *سقراط (زندگی، شخصیت، دیدگاه‌های فلسفی)*، ترجمه حسن فتحی، تهران، فکر روز.
۱۸. شریعتمداری، علی، ۱۳۷۹، *فلسفه (مسایل فلسفی، مکتب‌های فلسفی، مبانی علوم)*، تهران، فرهنگ اسلامی.
۱۹. شعیری سبزواری، محمد بن محمد، ۱۴۱۴، *ق، جامع الاخبار*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۲۰. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، ۱۳۸۶، *ترجمه شواهد الربوبیه*، همراه با حواشی حکیم ملاحادی سبزواری، ترجمه علی بابایی، تهران، مولی.
۲۱. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، ۱۹۸۱، *م، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۳ - ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، بی‌تا، *اسفار الاربعه*، قم، منشورات مصطفوی.
۲۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۲، *ق، المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶ و ۱۸، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۴. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، ۱۳۸۹، *اخلاق ناصری*، به کوشش سیاوش خوشدل، تهران، فراهانی.
۲۵. عظیمی، سیروس، ۱۳۷۰، *اصول روان‌شناسی عمومی*، تهران، صفار.
۲۶. غزالی، محمد، ۱۳۸۷، *مختصر احیاء علوم الدین*، ترجمه محمد صالح سعیدی، سنج، کردستان.
۲۷. فرانکل، ویکتور، ۱۳۶۶، *پژشک و روح*، ترجمه فرخ سیف بهزاد، تهران، ویس.
۲۸. قطب، سید محمد، ۱۴۱۵، *ق، فی ضلال القرآن*، ج ۵، بیروت، دار الشروق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار*، ج ۱، ۱۳ و ۱۰۳، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی، بی تا، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران، صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹، *معاد و جهان پس از مرگ*، قم، سرور.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. مؤمن زاده، فرید و محمدعلی مظاهری، محمد حیدری، ۱۳۸۴، «ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۴.
37. Agate ST, Zabriski RB, Eggett D.L, 2007, *Praying, playing and successful families.marriage fam Rev*, 42 (2).
38. Ahn, Song, Ju, 2006, *An investigation of the relationship between marital adgustmen and ministry satisfaction among pastores of the Korean evangelical church of American denomination*, Ph.D Dissertation, Biola university.
39. Bussing, A., Ostermann, T., Matthiessen, D.F., 2005, *Role of religion and spirituality in medical patients*, confirmatory result with the SPREUK questionnaire Helth QUAL Life Feb 10, 3(1).
40. Coombs, Robert, 1991, *Martin Status & personal wel-being: A literature Review*, family Relation.
41. Corkery S, Curran M, Parkman A., 2011, *Spirituality, sacrifice and relationship quality for expectant cohabiters*, Marriage Fam Rev., 47(6).
42. Demaris A, Mahoney A, Pargament KI, 2010, *Sanctification of marriage and general religiousness as buffers of the effects of marital inequity*, J Fam Issues.; 31(10).
43. Durana, C., 1997, *Enhancing marital intimacy through psycho education: the Pairs program*.
44. Gongm M., 2000, Does status inconsistency matter for marital quality? *Journal of Family Issues*, 28 (12).
45. Gottman, J.M., 1993, A theory of marital dissolution and stability, *Journal of Family Psychology*, 7 (1).
46. Graham, Jr, Patrick J., 2011, *An investigation of the relationship between religion and marriage on sel-reported health*, B.A, ouisinana Tech University.
47. Grief, A.P., 2000, Charactersiecs of families flunction well, *Journal of Family Issues*.
48. Hillman, M., 2004, *Viktor E. Frankls Existential Analysis and logotherapy*, W. Miles cox and Eric klinger (eds) Handbook of Motivational counseling: concepts, approaches and assessment, John Wiley & sons.
49. Koenig , H. G., 2004, Spirituality, Wellness, and Quality of Life, *Journal of Sexuality, Reproduction and Menopause*, 2, 2.
50. Lambert NM, Dollahit DC, 2008, *The threefold cord: Marital commitment in religious couples*, J Fam Issues.29(5).
51. Lambert, N.M., & Dolahite, D.C., 2006, *How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict*, Family Relations, vol. 55.
52. Mahoney, A., Pargament, K.I., Murray-Swank, A.B., & Murray-Swank, N, 2003, *Sanctification of family relationships*, Review of Religious Research, vol. 44.
53. Marsh.R., Dallos, R. , 2001, *Roman catholic couples*, Wrath and religion.Fam orocess.Fall40(3).
54. Pargament, K.L, & Mahoney, A., 2005, Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion, *International Journal for the Psychology of Religion*, vol. 15.
55. Schumacher, J.A, Leonard, K.E, 2005, Hasbands & Wives martial adjustment, verbal aggression & Physical aggression & as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage, *Journal of consulting & clinical psychology*.
56. Sternberg. R.J., 1987, *Liking versu sl loving: A comparative evaluation of theories. Psychological Bulletin*.
57. Sullivan,K.T., 2001, *Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newly wed couples*, Gournal of family Psychology,15(4).
58. Yalcin, B.M. & Karaban, T.F., 2007, Effect of a couple communication program on marital adjustment of the American, *Boordoffamily medicine*, 20.
59. Zohar D, Marshall I., 2012, *Sprituall intelligences, The ultimate intelligence*, Bloomsbury Publishing.

